

نقش نهادهای مردمی در پیشگیری از جرایم زیست محیطی

شیرین آقاجانی^۱

^۱ گروه حقوق، واحد بین المللی بندر انزلی، دانشگاه آزاد اسلامی، انزلی، ایران

نویسنده مسئول:

شیرین آقاجانی



چکیده

اهمیت پیشگیری از جرایم علیه محیط زیست از این جهت است که با سلامتی انسان‌ها به صورت مستقیم ارتباط دارد. اغلب کشورها رژیم جزایی خاصی را در این مورد به اجرا می‌گذارند؛ بدین جهت این مهم به‌عنوان موضوعی ویژه در شکل‌دهی به سیاست جنایی تقنینی در مورد حفاظت از محیط زیست قابل مطالعه و بررسی است. هر انسان اندیشمندی با درک این تهدیدات پی خواهد برد که چاره فقط منحصر به یک چیز است: پیشگیری از ادامه تخریب و حفاظت از محیط زیست. بدیهی است با توجه به این‌که هدف اصلی ما سالم ماندن محیط زیست می‌باشد، اگر ابتدا محیط آلوده شود و سپس به فکر مقابله با آن برآییم، به منظور خویش نائل نخواهیم شد.

امروزه بازیگران غیردولتی نقش مهمی در عرصه ملی و بین‌المللی ایفا می‌کنند. در نظام حقوقی ایران نقش کنشی این سازمان‌ها در خصوص حفاظت از محیط زیست انکارناپذیر است اما در مرحله‌ی واکنشی همچنان خلایق بسیاری وجود دارد؛ باید بسترهای مناسبی برای مشارکت فعالانه این بازیگران در دادخواهی زیست محیطی فراهم شود؛ به نحوی که بتوانند به‌عنوان شبه دادستان به جایگاه مطلوب خود در دادرسی‌های کیفری نائل شوند. همچنین وجود سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان دست راست دولت‌ها در کمک‌رسانی به حل این معضلات نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. روش تحقیق از نوع تحلیلی-توصیفی بوده و اطلاعات نیز به‌صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. در این تحقیق برآن شدیم تا به بررسی نقش نهادهای مردمی در پیشگیری از جرایم زیست محیطی بپردازیم و نقاط ضعف و قوت این نهادها را بسنجیم.

کلمات کلیدی: سازمان‌های مردم‌نهاد، پیشگیری، جرایم زیست محیطی.

مقدمه

تصویب قوانین و مقررات همیشه راهکار حل مشکل نیست؛ اما برای مقابله با تهدیدات موجود برای محیط زیست وجود قوانین و مقررات کارآمد می‌تواند بسیار مفید و موثر باشد. قوانین، آیین‌نامه‌ها و مصوبات فراوانی به تصویب مقنن رسیده است تا محیط زیست را از تخریب، محافظت کند و اغلب این قوانین اقدام به جرم‌انگاری فعالیت‌های مخرب محیط زیست کرده‌اند که در نتیجه مفهومی به نام جرایم زیست محیطی به وجود آمده است.

در تعریف چنین جرایمی آورده‌اند که جرایمی هستند که باعث ورود آسیب و صدمه شدید به محیط زیست و به خطر افتادن جدی و سلامت بشر می‌شوند. اولین قوانین و مقررات مرتبط با این حوزه را مواد مربوط به صید و شکار در قانون مدنی، یعنی مواد ۱۷۹ و ۱۸۹ است؛ قانون شکار(مصوب ۱۳۳۵/۱۲/۴) و قانون شکار و صید(مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶) صرفاً درباره محیط زیست طبیعی بوده است؛ اما اولین قانون جامع که به طور نسبی در خصوص همه ابعاد محیط زیست به تصویب رسید و تغییر ساختار تشکیلات سازمان حفاظت محیط زیست را نیز در پی داشت، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در مورخ ۱۳۵۳/۳/۲۸ است. برخورد سریع و قاطع با جرایم زیست محیطی می‌تواند تاثیر بازدارنده‌ای در کاهش تخلفات علیه محیط زیست داشته باشد. یکی از این جرایم ارتكابی نسبت به جانداران محیط زیست بجز انسان است که شامل تمامی گیاهان و حیوانات می‌شود. بر همین اساس تخریب جنگل‌ها و مراتع از جمله مواردی است که باعث برهم خوردن تعادل در محیط زیست و بنابراین عملی مجرمانه محسوب می‌شود. اما گروه دیگر، جرایم ارتكابی نسبت به عناصر بی‌جان محیط زیست از قبیل آب و هوا، خاک، صدا و آلودگی‌های شیمیایی را در بر می‌گیرد(پالمر، ۱۳۸۲).

آنچه از وضع قوانین و مقررات برمی‌آید نشان می‌دهد که حقوق برای حفظ طبیعت عزم خود را جزم کرده، حجم وسیعی از قوانین در این باره تصویب شده است. متولی اصلی محیط زیست در ایران را باید سازمان حفاظت محیط زیست دانست. مهم‌ترین اهداف این سازمان اقداماتی مثل تحقق اصل پنجاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور حفاظت از محیط زیست و تضمین بهره‌مندی درست و مستمر از آن و حفاظت از تنوع زیستی کشور است. قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست از جمله وظایف این سازمان را پیشگیری و ممانعت از آلودگی و هر اقدام مخربی که موجب برهم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست می‌شود، می‌داند. علاوه بر نهادهای دولتی، سازمان‌های خودجوش غیردولتی زیادی برای حفظ محیط زیست تلاش می‌کنند. سمن‌های زیست محیطی از نظر کمی رشد خوبی داشته‌اند اما رشد کیفی این تشکل‌ها نتوانسته است چون رشد کمی آن‌ها منحنی رو به بالایی داشته باشد که باید مورد بررسی قرار گیرد. وابسته‌نبودن به بودجه‌های دولتی و ایجاد بسترهای مناسب برای توانمندسازی این سازمان‌های زیست محیطی غیردولتی، دادن آزادی عمل به آن‌ها برای فعالیت‌های آموزشی، اجتماعی و فرهنگی و به رسمیت شناختن آن‌ها به‌عنوان نهادهای غیردولتی و غیرسیاسی می‌تواند تشکل‌های زیست محیطی را به مهم‌ترین اهرم‌های اجرایی در رفع مشکلات زیست محیطی جامعه بدل کند. این سازمان‌های مردم نهاد برای فعالیت می‌توانند در سازمان محیط زیست یا وزارت کشور یا سازمان ملی جوانان به ثبت برسند. در مجموع باید گفت وضعیت محیط زیست در کل دنیا و از جمله کشور ما واجد وضعیت امیدبخشی نیست؛ به طوری که این سرمایه مشترک بشری رو به زوال می‌رود؛ بر این اساس قوانین و مقرراتی به تصویب رسیده است تا بلکه این روند نگران‌کننده را متوقف کند اما درکنار این قوانین و مقررات؛ آنچه می‌تواند حل مشکل تخریب محیط زیست را به‌دنبال داشته باشد، نهادینه کردن اخلاق زیست محیطی است به گونه‌ای که هر شخص خود را ملتزم به حفظ محیط زیست بداند. درکنار آن تصویب قوانین بازدارنده و کارآمد و مهم‌تر از آن، اجرای جدی آن‌ها می‌تواند در حفاظت بهتر از محیط زیست موثر باشد(خالدی، ۱۳۷۹).

در این تحقیق هدف ما پاسخ به دو پرسش زیر می‌باشد:

- ۱- در پیشگیری از جرایم زیست محیطی، نهادهای مردمی چه نقشی ایفا می‌کنند؟
- ۲- شرایط تحقق پیشگیری از جرائم زیست محیطی توسط نهادهای مردمی چیست و به چه عواملی بستگی دارد؟

مبانی نظری**سازمان‌های مردم نهاد**

سازمان مردم نهاد به تشکلهایی اطلاق می‌شود که توسط گروهی از اشخاص حقیقی غیرحکومتی بصورت داوطلبانه با رعایت مقررات مربوط تاسیس شده و غیرانتفاعی، غیرسیاسی و عضوپذیر می‌باشد.

ویژگی های سازمان‌های مردم نهاد

۱. **غیردولتی بودن:** به این معنی که این سازمان‌ها براساس یک تصمیم دولتی تاسیس نمی‌شوند بلکه با انگیزه و ماهیتی کاملاً غیردولتی شکل می‌گیرند. اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی مؤسس آن‌ها می‌باشند و سازمان جزئی از تشکیلات بدنه عمومی دولت دانسته نمی‌شود.
۲. **غیرانتفاعی بودن:** به این معنی که دستیابی به درآمد و سود؛ هدف نهایی سازمان تلقی نشود و در صورتی که فعالیت درآمدزایی را دنبال کند، کلیه درآمدهای حاصله صرف هزینه‌های مربوط به فعالیت‌ها و اهداف سازمان گردد. نهادهای مردمی به مفهوم واقعی کلمه همیشه غیرانتفاعی است و با بالابردن کیفی و کمی فعالیت‌های خود به جذب کمک‌های مردمی حتی دولت می‌پردازد.
۳. **خودجوش بودن و تمایل به استقلال:** به این معنی که این سازمان‌ها سعی می‌کنند برای تحقق اهداف خود تا حد امکان از درجه استقلال بالایی برخوردار باشند. سازمان‌های مردم نهاد بایستی خودجوش و برآمده از مردم باشد یعنی مردم خود به این نتیجه برسند که با حرکتی دسته‌جمعی هرچند در اندازه کوچک، با جمع‌آوری از منابع ملی و بین‌المللی و نیز نیروهای انسانی علاقمند گره‌ای از مشکلات جامعه بگشایند.
۴. **داشتن هدف مشخص:** زمینه فعالیت سازمان‌ها متناسب با اهداف آن‌ها مشخص است. معمولاً هر سازمانی یکی از اهداف علمی، بهداشتی، خدماتی، زیست محیطی، فرهنگی، اجتماعی، ادبی و ... را دنبال می‌کند. ماهیت اینگونه نهادها، برقراری تماس‌های مداوم با مسئولان و مردم، بالابردن آگاهی عمومی، شناسایی و همکاری با نهادهای همفکر، نظارت و شناسایی نقاط ضعف تشکیلات دولتی تلاش برای رفع آن‌ها با بکارگیری مهارت‌های خاص خود از راه مشورت‌دادن به قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران، اجرای داوطلبانه قوانین شانه به شانه مجریان دولتی و جمع‌آوری، نگهداری و استفاده از اطلاعات است (قوم، ۱۳۷۵).

کارکرد سازمان‌های مردم نهاد

یک سازمان مردم نهاد برای رسیدن به اهداف موردنظر خود از شیوه‌ها و روش‌های متفاوتی بهره می‌گیرد که می‌توان آن‌ها را دسته‌بندی و بررسی نمود که عبارتند از:

جمع‌آوری، ارزیابی و انتقال اطلاعات: یکی از کارکردهای مؤثر و مشخص سازمان‌های مردم نهاد، حد واسط بودن بین دولت و جامعه است. کسب اطلاعات از دولت و انتقال آن به شاخه‌های پائین‌تر یعنی تک تک افراد جامعه و با برعکس آن یعنی جمع‌آوری اطلاعات در چارچوب موضوع فعالیت و ارائه آن به دولت می‌تواند بصورت یک تعامل فی ما بین و از کارکردهای اساسی یک سازمان مردم نهاد در توسعه فرهنگی و اجتماعی به شمار آید.

ارائه پیشنهاد به دولت: بسیاری از سازمان‌های مردم نهاد تلاش می‌نمایند تا با ارائه راهکارهای اجرایی و یا تئوریک در زمینه‌های موضوعی مختلف به دولت کمک نمایند، این عمل ضمن اینکه می‌تواند دولت را در پیشبرد اهداف و سیاست‌هایش کمک نماید، باعث ایجاد تعامل بر پایه اعتماد بین دولت و نهادهای غیردولتی می‌گردد. به‌عنوان مثال سازمان‌های مردم نهاد با ارائه و انجام پروژه‌های خرد و کلان در موضوعات مختلف دولت را در رسیدن به هدف مبتنی بر توسعه پایدار کمک می‌نمایند.

اقدامات حمایتی و وکالتی: یکی از کارکردهای مؤثر و رایج در سازمان‌های مردم نهاد، انجام اقدامات حمایتی به اشکال مختلف و ارائه خدمات به فرد فرد جامعه می‌باشد. این امر با اهداف بشردوستانه اتفاق می‌افتد و سازمان‌های مردم نهاد را در شمار نهادهای حمایتی در یک جامعه قرار می‌دهد.

آموزش، پژوهش و انجام مطالعات: سازمان‌های مردم نهاد در کنار نهادهایی که رسماً به این کار اشتغال دارند؛ می‌توانند در مقیاس‌هایی کوچک‌تر به آموزش گروه‌هایی از جامعه بپردازند که فرصتی برای بهره‌مندی از آموزش‌های رسمی جامعه ندارند و یا نوع آموزش به گونه ایست که نهادهای رسمی آن را تامین نمی‌کنند. به‌عنوان مثال سازمان‌های مردم نهادی که با موضوعات خانواده یا تربیتی فعالیت می‌کنند؛ می‌توانند با آموزش‌های مناسب و موردنیاز در حوزه خانواده به رشد و ارتقاء سطح بینش والدین به‌منظور تحکیم بنیان خانواده‌ها کمک نمایند. از سویی دیگر عنصر پژوهش و تحقیق نیز از اصول

اساسی توسعه یک جامعه به شمار می‌رود، سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند با تشکیل گروه‌های کارشناسی رسمی در محیط‌های موردنیاز جامعه؛ دست به پژوهش‌های کلی و یا موردی زده و نتایج آن را در اختیار بخش دولتی مربوط به آن قرار دهند و یا به اطلاع عمومی برسانند.

ایجاد تشریک مساعی: برخی از سازمان‌های مردم‌نهاد با ارائه راهکارهای اجرایی و یا نظری به برخی از افراد و یا حتی دولت در انجام برنامه‌ها و یا پروژه‌هایی منطبق با اصول اساسنامه‌ای خود کمک نموده و با آنان همکاری دارند.

جمع‌آوری و ارائه کمک‌های حقوقی و بشردوستانه: یکی از مسائل که همواره جوامع انسانی با آن درگیر هستند؛ معضلات اجتماعی از قبیل فقر، مصرف مواد مخدر، شیوع برخی بیماری‌ها، اشاعه فساد و بی بند و باری، معضلات زیست محیطی، تنش‌های اجتماعی، فقر فرهنگی، فاصله‌های زیاد طبقاتی، فقدان فرهنگ مناسب شهرنشینی و صدها مورد دیگر می‌باشد که اگرچه نهادها و سازمان‌های دولتی و رسمی به‌منظور غلبه بر این معضلات همواره برنامه‌ها و سیاست‌هایی را اعمال می‌نمایند و بودجه‌هایی را سالانه مصروف این بخش می‌سازند اما نقش مشارکتی سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکل‌های محلی می‌توانند کمک مؤثری در این راه باشند.

کارکرد روانی تبلیغاتی: این روش به ویژه از سوی سازمان‌های حقوق بشری و زیست محیطی مورد استفاده قرار می‌گیرد، انتشار خبرنامه‌ها، برگزاری نشست‌ها و سخنرانی‌ها در جلسات سازمان‌های دولتی و غیردولتی در مورد موضوعی خاص، این کارکرد را عینیت می‌بخشد بنابراین در یک جمع بندی کلی می‌توان برای سازمانهای مردم‌نهاد کارکردهای زیر را بیان نمود (رضانی قوام آبادی، ۱۳۸۷).

ضرورت حمایت از محیط زیست

زمانی که بشر همانند سایر موجودات و به عنوان یکی از حلقه‌های زنجیره حیات فقط به تغذیه و تولید و گذارندن زندگی اشتغال داشت، خود نیز جزئی از طبیعت محسوب می‌گردید.

انسان خود چیزی به طبیعت نمی‌افزود، بلکه فقط همپای سایر جانداران برداشتی ناچیز میکرد و این کمترین لطمه‌ای به عظمت طبیعت متعادل وارد نمی‌ساخت. چرا که قدرت ترمیم و بارآوری زمین بیش از آن بود که اقدامات محدود و فعالیت‌های ناچیز خطری جدی برای آن محسوب شود. از بین رفتن و تخریب جنگل‌ها، تخریب زیستگاه‌های حیات وحش، انهدام مراتع، خشکانیدن تالاب‌ها و آب‌بندها، کاهش جمعیت پرندگان، صید بی‌رویه ماهیان، آلودگی‌های میکروبی و شیمیایی آب‌های ساحلی دریای خزر، آلودگی نفتی خلیج فارس، آلودگی‌های صنعتی و شهری در رودخانه‌ها و آب‌های ساحلی از جمله مشکلات جدی محیط زیست کشور ایران است.

هر انسان عاقل و اندیشمندی با درک این خطرات حس خواهد کرد که چاره فقط منحصر به یک چیز است: «جلوگیری از ادامه تخریب و حفاظت از محیط زیست» (قوام، ۱۳۷۵).

پیشگیری و شیوه‌های غیرکیفری حمایت از محیط زیست

معروف است که پیشگیری قبل از ابتلا، بهترین درمان است. بدیهی است با توجه به اینکه هدف اصلی ما سالم‌ماندن محیط‌زیست و جلوگیری از انواع آلودگی‌ها و انهدام مظاهر محیط زیست می‌باشد، اگر ابتدا محیط آلوده شود و سپس ما به فکر مقابله با آن برآییم، به‌منظور خویش نخواهیم رسید. چرا که مثلاً وقتی زیستگاه منابع آبی از جمله ماهیان و دیگر موجودات آبی را تخریب و آلوده یا به صید بی‌رویه آن‌ها مبادرت می‌ورزیم، دیگر کاری نمی‌توان کرد و هرگونه برخورد با متخلفین حتی کیفر دادن سنگین آن‌ها، هرگز وضعیت محیط و موقعیت آبریان را به وضعیت پیشین باز نخواهد گردانید.

بنابراین باید به دنبال مکانیزم‌ها و روش‌هایی بود که متضمن پیشگیری و جلوگیری از انهدام و آلودگی محیط زیست این منابع باشد، هرگونه تلاش و سرمایه‌گذاری در این بخش است که می‌تواند ما را بیش از پیش به هدف و مقصود اصلی خویش یعنی ایجاد یک محیط زندگی سالم همراه با نشاط و شادابی برای تمام انسان‌ها و موجودات کره‌ی زمین برساند.

با توجه به این که در قوانین اغلب کشورها، انهدام و آلود کردن محیط زیست جرم محسوب می‌گردد؛ سیاست فوق‌بیش از پیش مورد تأیید و تأکید قرار می‌گیرد. به جای این که ما بگذاریم افراد با انهدام یا آلودن محیط زیست مرتکب جرم شده و آن‌ها را مجازات کنیم، بهتر است توجه اصلی خویش را مصروف پیشگیری از جرایم علیه محیط زیست نموده و ضمن این که افراد جامعه را از مجازات‌های مقرر مضمون می‌داریم، از همان ابتدا محیط زیست را سالم نگهداشته و از تخریب و آلودن آن جلوگیری کنیم. «سزار بکاریا» حقوقدان معروف ایتالیایی نیز معتقد است پیشگیری از وقوع جرایم، بهتر از کیفر دادن است و برای پیشگیری از جرایم پیشنهاد می‌کند که نخست قوانین باید روشن و ساده باشد و تمام قدرت ملت برای دفاع از آن بسیج شود و هیچ قدرتی برای نابودی آن به کار گرفته نشود، دوم مردم آموزش داده شوند و سوم پرهیزکاران پاداش داده شوند (بکاریا، ۱۳۷۷).

برای پیشگیری و نیز حفاظت از محیط زیست، شیوه های مختلفی مورد استفاده قرار می گیرد. کارشناسان محیط زیست راه های ذیل را به عنوان شیوه های غیرکیفری و پیشگیری از آلودگی و انهدام مظاهر محیط زیست معرفی می نمایند:

۱. بالا بودن سطح آگاهی و اطلاعات عموم نسبت به خطرات ناشی از تخریب محیط زیست و رعایت توصیه های لازم که از سوی دست اندرکاران ذی ربط اعلام می شود.
۲. آگاه کردن مردم نسبت به اهمیت محیط زیست، جنگل ها و مراتع و منابع آبی و این که محیط زیست میراث مشترک انسان ها می باشد.
۳. ارائه توصیه ها و راه حل های لازم در جهت به کارگیری رو شها و جلوگیری از آلودگی و یا به حداقل رسانیدن آنها به کارخانجات برای جلوگیری از خطرات ناشی از فعالیت های مضر علیه منابع آبی محیط زیست.
۴. جلوگیری از گسترش بی رویه شهرها که همواره با تخریب محیط زیست (آلودگی رودخانه ها و نابودی منابع آبی) همراه است.
۵. معدوم کردن مواد زائد کارخانه ها و کارگاه ها به شیوه های صحیح و علمی.
۶. جلوگیری از ورود پساب کارخانجات و فاضلاب های شهری و صنعتی به آب ها (رودخانه ها).
۷. ندادن مجوز تأسیس به کارخانجات و کارگاه هایی که ضوابط مربوط به رعایت بهداشت و مسائل زیست محیطی را در ساختن و تعبیر دستگاه های مورد نیاز خود رعایت نکرده اند (قوام، ۱۳۷۵).
۸. افزایش آگاهی های عمومی از تنوع زیستی و تقویت نقش مشارکت مردمی.
۹. ایجاد نظام های اطلاعاتی و تحقیقاتی، تنوع زیستی (علی الخصوص منابع آبی).
۱۰. بهره برداری پایدار از منابع آبی.
۱۱. ایجاد مدیریت نظام مند حفاظت از منابع آبی (تنوع زیستی).

پیشگیری و سرکوب جرایم زیست محیطی در پرتو اقدامات سازمان های غیردولتی در نظام حقوقی ایران

توسعه ی لجام گسیخته ی صنعتی، طبیعت را دگرگون ساخته و صدمات جبران ناپذیری بر محیط زیست بشری وارد کرده است. بدین سبب اتخاذ تدابیری در سطح ملی و بین المللی به عنوان یکی از اقدامات مهم، در دستور کار بسیاری از کشورها قرار گرفته است؛ در این راستا نیز تاکنون کنفرانس های بسیاری برگزار شده است. یکی از ساز و کارهای عمده و تعیین کننده در جهت تحقق این مهم شناسایی و نقش دهی به سازمان های غیردولتی در مسائل زیست محیطی است.

اصل پیشگیری یکی از مهمترین اصول شناخته شده حقوق بین الملل محیط زیست می باشد و به عنوان «قاعده ی طلایی» در این حوزه تلقی می گردد. این اصل به طور صریح در «اعلامیه ی ریو ۱۹۹۲ در مورد محیط زیست توسعه» پیش بینی شده است؛ تحقق این اصل در راستای اجرای فصل ۲۷ دستور کار ۲۱ مستلزم نقش دهی به سازمان های غیردولتی است. این دستور کار به نقش بازیگران اجتماعی توجه دارد. به طور کلی این بازیگران به دو قسم افراد و مجامع و گروه ها طبقه بندی می شوند. زنان، جوانان، افراد بومی، کشاورزان، دانشمندان از جمله اشخاص حقیقی هستند که در حوزه حفاظت از محیط زیست مورد توجه قرار گرفته اند؛ در حالی که مجامع محلی، سندیکاها و سازمان های محیط غیردولتی از جمله بازیگران گروهی می باشند که نقش هایی برای آنها لحاظ شده است. تأمل در این بازیگران گویای چند واقعیت است؛ نخست اینکه این بازیگران به دو گروه بزرگ اشخاص حقیقی و حقوقی تقسیم می شوند، دیگر آن که در ماهیت غیردولتی بودن اشتراک دارند و سرانجام اینکه به طور مستقیم یا غیر مستقیم در صیانت از محیط زیست اشتراک هدف دارند.

تحقق اهداف عالی ی زیست محیطی بدون توجه به نقش سازمان های غیردولتی در مراحل مختلف شکل گیری هنجارهای زیست محیطی و نظارت و اجرای آنها دشوار است. اجتماعی بودن پدیده ی جرم ایجاب می کند تا حتی المقدور برای پیشگیری و سرکوب جرایم از تمامی ظرفیت های اجتماعی استفاده شود، مشارکت سازمان های غیردولتی در فرآیند کیفری یکی از این ظرفیت ها تلقی می شود؛ امری که می تواند در توفیق برنامه های پیشگیری در جامعه مؤثر باشد. بنابراین رویکرد مشارکتی و اتخاذ تدابیر پیش گیرانه می تواند از وقوع بسیاری از جرایم زیست محیطی جلوگیری کند.

افزون بر پیشگیری، اتخاذ رویکرد واکنشی در راستای جرم انگاری اعمال تخریب و آلوده کننده ی محیط زیست از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ با شناسایی و توسعه ی صلاحیت متولیان این امر از متولیان عمومی و دولتی به متولیان خصوصی و غیردولتی دفاع از حریم طبیعت، روند بهتر و آسان تری به خود خواهد گرفت. از این رو، تعامل سازمان های غیر دولتی با دولت و صلاحیت این سازمان ها در دعاوی کیفری زیست محیطی نقش مهمی در حفاظت از محیط زیست در مرحله ی کنترل و اجرا دارد.

پرسش این است که آیا حقوق ایران برای سازمان های غیردولتی در پیشگیری از جرایم زیست محیطی نقشی را در نظر گرفته است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، این نقش دهی در قوانین ایران چگونه است و در صورت فقدان آن چه اقداماتی باید در

حوزه‌ی قانونگذاری صورت گیرد؟ پاسخ به این پرسش‌ها نوع نگرش مقنن ایران نسبت به موضوع محیط زیست در حوزه‌ی سیاست گذاری‌های زیست محیطی را آشکار کرده، معیارها و ساز و کارهای اتخاذ شده در قالب پیشگیری مشارکتی برای حفاظت از محیط زیست و بهره‌گیری پایدار از منابع طبیعی کشور را تبیین می‌نماید.

پیشگیری مشارکتی در حوزه‌ی محیط زیست

سازمان‌های غیردولتی در چارچوب اهداف تعیین شده در اساسنامه‌ی خود حرکت کرده و به تناسب هدف و موضوعی که برای آن تأسیس شده‌اند، در قبال مسائل گوناگون اتخاذ تصمیم می‌نمایند. در مقایسه با سازمان‌ها و نهادهای دولتی این سازمان‌ها عموماً از حیث مالی و تکنیکی با محدودیت‌های بسیاری مواجهند. لذا، این سازمان‌ها برای نیل به اهداف خود از ابزارها و شیوه‌هایی بهره می‌گیرند که کم و بیش توسط سایر سازمان‌های غیردولتی نیز استفاده می‌شود. به کارگیری این وسایل و ابزارها بیشتر در جهت کاهش یا به حداقل رساندن احتمال ارتکاب جرایم زیست محیطی است. اعمال اصل پیشگیری و به کارگیری کاربست‌های غیرکیفری به عنوان نخستین و آسان‌ترین راه برای حفاظت از عناصر طبیعی محسوب می‌شود. انقراض گونه‌ای جانوری یا گیاهی، فرسایش و تخلیه‌ی آلاینده‌های پایدار در دریا، وضعیت‌های مهرانشدنی و غیرقابل بازگشتی را به وجود می‌آورد. حتی زمانی که آسیب قابل جبران باشد، هزینه‌های احیای محیط زیست بسیار بالا است. در بسیاری از موارد پیشگیری از تمام خطرات احتمالی چنین آسیب‌هایی ناممکن است. در چنین مواردی به منظور حفاظت از محیط زیست و حقوق دیگران ممکن است ضمن اجازه‌ی انجام فعالیت‌های خطرناک تدابیری اتخاذ شود تا خطر «به حداقل ممکن عملی» کاهش یابد (Shelton & Kiss, 2005:20).

قلمرو مادی محیط زیست بسیار گسترده است و می‌تواند تحت اشکال مختلف مورد تعدی و تجاوز قرار گیرد. ارتباط تنگاتنگ موجود بین عناصر محیط زیست موضوعی است که از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ زیرا این ارتباط جرایم مربوط به محیط زیست را از سایر جرایم متمایز می‌کند؛ در واقع جرایم مربوط به این حوزه را وارد عرصه‌ی جدیدی می‌کند که باید مورد توجه خاص قرار گیرند. در مجموع گستردگی موضوع محیط زیست سبب تنوع جرایم ارتكابی نسبت به آن می‌شود. لذا تنوع مجرمان، نتیجه‌ی منطقی تنوع جرایم است؛ در عمل تعیین میزان مشارکت هر یک از مرتکبان جرایم زیست محیطی کار آسانی نخواهد بود. با توجه به توضیحات فوق مرتکبان جرایم زیست محیطی را می‌توان به اشخاص حقیقی و حقوقی تفکیک کرد. با این وجود تعیین دقیق مرتکب یا مرتکبان جرایم مزبور و میزان مشارکت هر یک از این اشخاص در این جرایم یکسان نیست. برای مثال در آلودگی هوا، تعیین دقیق میزان گازهای متصاعد شده از هر یک از آلوده‌کنندگان هوا (کارخانه‌های صنعتی و دارندگان اتومبیل) از یک سوی و سهم هر یک از تولیدکنندگان (تولیدکنندگان اتومبیل غیر استاندارد و تولیدکنندگان سوخت نامناسب و غیر استاندارد) در ایجاد آلودگی از سوی دیگر، امری دشوار است. ضمن آن که باید آلودگی‌های فرامرزی را نیز به آن افزود؛ امری که از ارتباط نزدیک بین عناصر زیست محیطی و تأثیر و تأثر هر یک از آنها نسبت به یکدیگر ناشی شده و در نتیجه شناسایی آلوده‌کنندگان و منبع آلودگی را دشوار می‌سازد.

از حیث کارکردی، ماهیت اقدامات سازمان‌های غیردولتی بیشتر واجد پیشگیری غیرکیفری است، زیرا وسایل و شیوه‌های مورد استفاده این سازمان‌ها، جنبه‌ی پلیسی و سرکوبگرانه ندارد. شیوه‌های مذکور به طور معمول غیر قهرآمیز است؛ از این حیث نمی‌توان آن‌ها را با ساز و کارهای قهرآمیز و واکنشی نهادهای دولتی مقایسه کرد. برای مثال سازمان‌های مذکور با درج مقالات گوناگون علمی در خصوص معضلات محیط زیست در نشریات خود و یا انتشار آمار و ارقام در گزارشات خود در خدمت پیشگیری از تخریب و آلودگی محیط زیست می‌باشند.

بنابراین سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی تلاش می‌کنند با اطلاع رسانی، آموزش و بسیج افکار عمومی و با اعلام خطر نسبت به وضعیت محیط زیست اقدامات پیش‌گیرانه‌ی خود را انجام دهند.

جرایم زیست محیطی

جرایم زیست محیطی گستره وسیعی از رفتارهایی را شامل می‌شود که نتیجه ارتکاب آن‌ها آسیب رساندن به محیط زیست می‌شود. در واقع جرم زیست محیطی به معنای هر نوع فعل یا ترک فعلی است که سبب ورود آسیب و خسارت به محیط زیست می‌شود. بنابراین مصداق بارز جرایم زیست محیطی را می‌توان آلودگی محیط زیست دانست که عبارت است از "پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب و هوا یا خاک و زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد. نتیجه آن که جرایم زیست محیطی دارای ویژگی متفاوتی نسبت به سایر جرایم است و آن تنوع رفتارهای مجرمانه و نتایج آن می‌باشد.

از جمله رفتارهای آسیب‌زا به محیط زیست که نتایج غیرقابل اغمازی نسبت به محیط زیست انسانی، حیوانی، گیاهی و ابنیه به وجود می‌آورد پدیده آلودگی هوا است. این معضل که به طور متوسط سالانه حدود سه میلیون نفر را در جهان و حدود پنجاه هزار نفر را در ایران به کام مرگ می‌فرستد عبارت است از وجود یا یافت شدن هر گونه ماده آلوده کننده در هوا که سبب ساز

ضرر به انسان، حیوانات، گیاهان و بناها می شود. از دیگر اعمال آسیب زا به محیط زیست که نتایج اسف باری نسبت به انسان و زندگی گیاهی و حیوانی دارد می توان به گازهای گلخانه ای اشاره کرد که موجبات ابتلا به سرطان را در میان انسان ها به وجود می آورد (Brown, 1389. 168-176).

منابع آلوده کننده به دو دسته طبیعی و مصنوعی تقسیم می شوند. منظور از منابع طبیعی مواردی از قبیل آتش سوزی در جنگل ها، گرد و غبار و فعالیت آتشفشان ها است و منابع مصنوعی نیز شامل مواردی چون فعالیت کارخانه ها و صنایع، وسایل نقلیه موتوری و به طور کلی فعالیت های انسانی است که سبب آلودگی هوا می شوند (کونانی، ۱۳۹۲: ۱۲).

از دیگر مصادیق جرایم زیست محیطی می توان به قطع، آتش زدن و تخریب درختان و فضای سبز؛ دفن پسماندهای هسته ای؛ سدسازی های بی رویه و غیر مجاز که سبب خشک شدن تالاب ها و رودخانه ها و دریاچه ها و همچنین وجود ریزگردها در هوای شهرها می گردد (نمونه بارز آن خشک شدن دریاچه ارومیه می باشد)؛ دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی؛ ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه ها؛ رها سازی فاضلاب و پسماند بیمارستان ها، کارخانه های صنعتی و فاضلاب شهری و روستایی در رودخانه ها و ساخت اماکن مسکونی و تجاری در حریم رودخانه ها و دریاها اشاره کرد.

در خصوص جرایم زیست محیطی در قلمرو دانش جرم شناسی به علت شناسی جرایم و انحرافات، چگونگی اتخاذ بهترین پاسخ و اصلاح و درمان مجرمان می پردازد، گرایشی تحت عنوان "جرم شناسی سبز" مطرح می شود که زیر شاخه جرم شناسی حقوقی یا انتقادی محسوب می شود.

تمرکز اصلی جرم شناسی سبز بر جرایم و انحرافات زیست محیطی و به طور کلی آسیب های زیست محیطی را از چشم انداز جرم شناسی تحلیل می نماید و یا به عبارت دیگر اندیشه های جرم شناختی را نسبت به موضوعات مرتبط با محیط زیست اعمال می کند (عباچی؛ ۱۳۹۲: ۷۹۴). به دیگر سخن در یک تعریف جامع می توان گفت جرم شناسی سبز به مطالعه آسیب، جرم و پاسخ در قبال آن، بزه دیدگی و قربانی شدن، عدالت زیست محیطی و موضوعات فلسفی و اخلاقی به عنوان موضوعاتی که به انسان، جانوران، گونه های گیاهی و اکو سیستم و اجزا آن مربوط می شوند، می پردازد (همان؛ ۷۹۴). جرم شناسان سبز با رد تعاریف قانونی از این جرایم بر این باورند که تمامی رفتارهای مخرب محیط زیست در سطح جهانی، باید جرم تلقی شوند؛ هر چند این رفتارها در قوانین کیفری، جرم انگاری نشده باشند (with, 2000, 45 به نقل از دانش ناری، ۱۳۹۲: ۵۲). در واقع جرم شناسی سبز در سطح نظری خود به ابعاد حقوقی، قانونی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که به نحوی منجر به ارتکاب جرایم زیست محیطی می شوند توجه دارد (potter, 2010, 23).

چالش های حقوق کیفری ایران در راستای حفاظت از محیط زیست

محیط زیست شرایط بیرونی است که بر زندگی موجودات اثر می گذارد. با توجه به فعالیت های گسترده انسان ها برای دست یابی به زندگی بهتر با تکنولوژی و رفاه بیشتر طی سالیان عناصر اصلی محیط زیست یعنی آب، خاک، هوا و ... با آلودگی شدید مواجه شده است. این آلودگی در نهایت به خود انسان ها باز می گردد. بنابراین لازم است برای جلوگیری از آلودگی بیشتر و حمایت از محیط زیست اقدامات لازم صورت گیرد.

یکی از اقدامات دخالت حقوق کیفری و قانونگذاری برای حمایت از محیط زیست است. برخی از کشورها مانند آلمان به جرایم علیه محیط زیست در قانون مجازات پرداخته اند. حقوق کیفری ایران نیز به طور پراکنده به جرم انگاری در این زمینه پرداخته است. اما عملکرد موفق نداشته است. این عدم موفقیت دلایلی همچون عدم انسجام قوانین دارد که برای رفع این مشکل لازم است قانونگذاری جرایم علیه محیط زیست را در قانون مستقلاً جرم انگاری نماید.

محیط زیست در یک تعریف کلی عبارتست از مجموعه شرایط بیرونی که در طول عمر یا زندگی یک موجود زنده مانند انسان بر او اثر می گذارد (قاسمی، ۱۳۸۴: ۲۵). به این ترتیب نور خورشید، آب، هوا، اقلیم، گیاهان، جانوران و سایر موجودات بی جان و جاندار که بر روی سیاره ی زمین وجود دارند و با یکدیگر در ارتباط دو سویه هستند، محیط زیست انسان را تشکیل می دهند. البته از محیط زیست تعریف های گوناگونی وجود دارد که از آنها چشم پوشی می نمایم. محیط زیست و منابع موجود در آن در واقع محل زندگی و تأمین کننده اصلی ترین نیازهای انسان بشمار می آید. با وجود این در سالهای گذشته با رشد فزاینده ی جمعیت و پیشرفت های تکنولوژی روند بهره برداری از منابع موجود در زمین نیز بیشتر شده است و در یک کلام محیط زیست انسان دستخوش تخریب و آلودگی قرار گرفته است.

هم اکنون ویران کردن جنگل ها، فرسایش خاک، پیشروی کویر و کاهش زمین های کشاورزی، تهي شدن دریاها از ذخایر آبی، بهره برداری بی رویه از منابع معدنی، انقراض گونه های گیاهی و جانوری، آلودگی هوا و آب و خاک از شناخته شده ترین جنبه های ویرانی و آلودگی سیاره به شمار می رود.

برای جلوگیری از آلودگی بیشتر و تخریب محیط زیست نه تنها باید افراد و گروه‌های مختلف در عملکرد خود تجدید نظر داشته باشند، بلکه دولت‌ها نیز باید نظارت و اقدامات لازم را انجام دهند. این اقدامات طیف گسترده‌ای از فرهنگ سازی تا جرم انگاری و کیفر دهی را در بر می‌گیرد.

نوشته‌ی حاضر ابتدا به بحران‌های زیست محیطی پرداخته و با توجه به این بحران‌ها لزوم ورود حقوق کیفری به این عرصه را توجیه می‌کند. سپس رویکرد بین‌المللی و داخلی در مورد ارتباط محیط زیست با حقوق کیفری را مورد علاقه قرار می‌دهد و چالش‌های حقوق ایران را در حمایت از محیط زیست بیان می‌دارد.

بحران زیست محیطی ایران

شاید بحران در لغت به معنای معضل و مشکل بزرگ باشد اما وقتی از بحران زیست محیطی صحبت می‌شود باید این واژه بزرگنمایی گردد؛ زیرا مجموعه عواملی که باعث آلودگی زیست محیطی می‌شوند گسترش روزافزون داشته و دارند و این امر توجه و مراقبت بیش از پیش مردم و نهادهای مسئول را می‌طلبد. با توجه به اشاره‌ای که در ذیل به بحران زیست محیطی در قالب بحران آب‌ها، هوا، خاک، حیان وحش و جنگل شده است به نظر می‌رسد عمق این مسائل لزوم دخالت حقوق کیفری و کیفر دهی کسانی که محیط زندگی انسان‌ها و سایر موجودات زنده را به خطر می‌اندازند را فراهم کرده است.

بحران آب‌ها

مهم‌ترین تأثیرات فعالیت‌های انسان بر روی آب‌ها در سه مورد خلاصه می‌شود. مصرف بیش از حد آب و از بین رفتن منابع آب و آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی، آب‌های سفره‌های زیرزمینی و رودها و دریاچه‌ها منابع مهم تأمین آب شیرین هستند که مستقیماً در معرض آلودگی توسط فعالیت‌های انسان قرار دارند. آلودگی دریاها نیز علاوه بر دخالت مستقیم انسان تحت تأثیر آلودگی آب‌های شیرین و چرخه‌ی آب می‌باشد. عوامل مختلفی سبب نابودی منابع آب می‌شود، از جمله:

- سدهای کارشناسی نشده

- حفره‌های غیر مجاز

از نتایج عدم مدیریت صحیح منابع آبی کشور می‌توان به خشک شدن دریاچه‌ی هامون بزرگترین دریاچه آب شیرین کشور، خشک شدن دریاچه بختگان، خشک شدن باتلاق گاو خونی، کاهش بیش از ۹۰ درصدی سطح آب دریاچه ارومیه، خشکی نوبه‌ای زاینده رود و ... اشاره کرد. (پایگاه خبری دیده بان محیط زیست و حیات وحش ایران: ۱۳۹۳/۳/۳۱)

در مصارف مختلف آب آلودگی‌های متفاوتی حاصل می‌شود که به تفکیک به شرح زیر می‌باشد:

- آلوده کننده‌های شهری و خانگی.

- آلودگی آب توسط عملیات کشاورزی.

- آلوده سازه‌های صنعتی.

از مصادیق عوامل فوق به عنوان مثال به شناسایی بیش از ۱۲۰ هزار حلقه چاه غیر مجاز در کشور اشاره نمود. همچنین در سال ۱۳۹۱، ۲۲ حادثه نفتی در خلیج فارس رخ داده که ۲۱ حادثه نفتی مربوط به چاه‌های نفتی ایران بوده است. در سویی دیگر نیز ۴۰۰ میلیون متر مکعب فاضلاب در شمال کشور تولید می‌شود که فقط ۴۰ درصد از آن به سختی تصفیه می‌شود و ۶۰ درصد مابقی از طریق رودخانه‌ها و به صورت غیر مستقیم وارد دریاچه‌ی خزر می‌شود (پایگاه خبری دیده بان محیط زیست و حیات وحش ایران: ۱۳۹۲/۴/۳۱).

بحران هوا

آلودگی هوا عبارت است از ورود مستقیم یا غیر مستقیم هر عنصری توسط انسان که احتمال ایجاد اثرات نامطلوب بر سلامتی انسان و محیط زیست را داشته باشد (قاسمی، ۱۳۸۴: ۹۸).

انواع آلودگی‌های هوا عبارتند از:

- گازهای شیمیایی سمی که غالباً حاصل واکنش‌های سوختن؛

- گرد و غبار و ذرات معلق در هوا؛

- فلزات سنگین همچون آرسنیک، سرب، روی، مس، کروم، جیوه و کادمیوم که در اثر فعالیت‌های صنعتی وارد هوا می‌شوند (قاسم زاده، ۱۳۸۶، ص ۱۱۱).

بحران خاک

مهم ترین آثار فعالیت‌های انسان بر خام عبارتند از مسمومیت و فرسایش که موجب تخریب و کاهش توان زمین‌های زراعی می‌شوند. به طور کلی فرسایش خاک پدیده ای طبیعی است که به وسیله عواملی چون باد، روان آب های سطحی و تغییرات دما انجام می‌گیرد. با این حال فعالیت های انسان از جمله زراعت مفرط، آبیاری زمین های زراعی، محصولات تک کشتی، چریدن بیش از حد دام ها در مراتع، جنگل زدایی و بیابان زدایی باعث از بین رفتن تعادل موجود میان روند تخریب و ایجاد خاک و در نهایت آلودگی آن می‌شوند. حتی به زیر کشت بردن مراتع و آبیاری بی رویه مسائل مهمی را از دیدگاههای فرسایش خاک و عوامل کویرزایی ایجاد نموده اند.

مسمومیت خاک می‌تواند در اثر افزایش نمک های خاک توسط ماشین آلات کشاورزی و یا آلودگی مستقیم آن توسط افراد یا کارخانه ها ایجاد شود. استفاده از مواد شیمیایی در کشاورزی مانند کودهای شیمیایی، علف کش ها، حشره کش ها مخصوصا در مورد شالیزارهای گیلان و مازندران در نهایت مسموم شدن آب و خاک را به همراه خواهند داشت.

بحران دیگر در عرصه خاک کشور فرو نشست زمین است. از مهمترین عوامل مؤثر در ایجاد فرونشست در بیشتر دشت های ایران برداشت بیش از حد مجاز از منابع آب زیرزمینی است. در برخی مناطق کشور از جمله دشت مشهد ۳۰ سانتی متر، نیشابور ۲۵ سانتی متر و دریاچه پریشان هم ۵ سانتی متر در سال فرو نشست داشته‌اند. همچنین جنوب تهران فرونشست زمین به میزان ۳۶ سانتی متر در سال (۹ برابر وضعیت بحرانی در دنیا) را تجربه کرده است. ایران از نظر حجم فرسایش خاک در میان کشورهای منطقه رتبه نخست و در جهان رتبه دوم را دارد (بیات؛ رستگار و عزیز، ۱۳۹۰، ص ۶۶).

بحران حیات وحش

با توجه به شرایط اقلیم و زیست گاهی کشور ۱۴۰۱ گونه ای جانوری در کشور شناسایی شده است. که از این تعداد ۴/۶ درصد گونه ها یعنی ۷۴ گونه در معرض تهدید هستند. شیر ایرانی و ببر مازندران منقرض شده‌اند و پلنگ، یوز آسیایی، خرس سیاه آسیایی، قوچ و میش لارستانی، گوزن زرد ایرانی، مرال، گور ایرانی و دلفین بینی بطری در فهرست گونه های در حال انقراض قرار گرفته اند.

رشد سد سازی (سد سبب تغییر دو محیط بالادست و پایین دست می‌شود)، خشکسالی، گسترش مناطق مسکونی، تخریب جنگل ها، کمبود امکانات محیط بانان، وفور اسلحه های بدون مجوز و شکارچیان غیرمجاز، تجارت غیرقانونی حیوانات و... از مهمترین عوامل بحرانی شدن وضعیت حیات وحش هستند که از سوی کارشناسان حوزه محیط زیست معرفی شده‌اند.

بحران جنگل ها

طبق آمار های موجود پوشش جنگلی ایران یک سوم استاندارد دنیاست. اما با این حال سالانه ۱/۵ تا ۳/۵ درصد از جنگل های کشور تخریب می‌شوند. به طوری که سالانه ۶۰۰ هزار هکتار از جنگل های کشور از بین می‌رود. عوامل مختلفی در تخریب جنگل نقش دارند از جمله:

- خشکسالی؛
 - آتش سوزی گسترده؛
 - برداشت بی رویه از منابع جنگل؛
 - اجرای طرح های عمرانی همچون جاده سازی؛
 - گسترش مناطق مسکونی
- به عنوان نمونه می‌توان به آتش سوزی گسترده در پارک کلی گلستان که حدود ۳۰۰۰ هکتار از این مناطق را تخریب کرد و جاده سازی در همین منطقه اشاره نمود.

با توجه به موارد ذکر شده تمامی عوامل تشکیل دهنده محیط زیست در ایران تحت تأثیر فعالیت‌های انسان قرار گرفته‌اند. بسیاری از این اعمال عالمانه و عامدانه صورت می‌گیرد و نشان از بی توجهی افراد به محیط زیست و اهمیت آن در زندگی موجودات زنده دارد. بنابراین باید با گذر از فیلتر حقوق کیفری چنین افرادی را متنبه ساخت.

مشارکت سازمان های غیردولتی در جرائم زیست محیطی

با توجه به اینکه موضوع محیط زیست نیازمند فرهنگ سازی و توجه اقشار مختلف است، بنابراین نیازمند تشکل‌ها و ساختارهای سازمان یافته مردمی جهت تکمیل برنامه های دولتی هستیم. با این حال در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۰ و قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ هیچ گونه نقش حمایتی برای مشارکت این قبیل مجامع در فرایند کیفری پیش‌بینی نشده بود. خوشبختانه با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ به این امر نیز اشاره شده است. ماده ۶۶ مقرر می‌دارد: «سازمان های مردم نهادی که اساسنامه آنها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه های فوق اعلام جرم کنند و در تمام دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آرای مراجع قضایی اعتراض نمایند.

نتیجه گیری

محیط زیست به معنای تمام عوامل بیرونی مؤثر بر زندگی موجودات به دلیل تأثیر مستقیمی که بر زندگی انسان دارد شایسته‌ی توجه و اهمیت است. این توجه باید در میان مردم شروع و نهادینه شود. نگرانی درباره آلودگی‌های زیست محیطی زمانی افزایش می‌یابد که بدانیم اعمال انسان‌ها برای دستیابی به رفاه بیشتر با نابودی محیط زیست همراه بوده است. دولت‌ها در جنایت از محیط زیست می‌توانند از مسیر علوم جنایی و حقوق کیفری وارد شوند؛ چه بسا کشورهای مختلف در حمایت از محیط زیست دست به قانونگذاری زده‌اند.

در دادرسی‌های زیست محیطی اعطای سمت قانونی لازم به سازمان‌های غیردولتی برای «اعلام جرم» طرح دعوا ارائه‌ی ادله و مدارک اثبات جرم شرکت در کلیه‌ی مراحل رسیدگی به جرم و در نهایت «اعتراض به آرای محاکم» تحولی عمده است که از یک سو رفع یکی از خلاءهای موجود در نظام حقوقی ایران و از سوی دیگر تضمین مشارکت مؤثر این سازمان‌ها در اجرای هنجارهای زیست محیطی را موجب می‌شود؛ افزون بر این تحقق مشارکت مؤثر چنین نهادهایی در فرایند کیفری، گسترش متولیان حفاظت از محیط زیست، از متولیان دولتی به غیردولتی را در پی دارد.

با این وجود آن چه بیش از همه در پیشگیری و سرکوب جرایم زیست محیطی می‌تواند مؤثر باشد، ایجاد بستری مناسب برای مشارکت عموم در امر حفاظت از محیط زیست در قالب سازمان‌های غیردولتی است؛ تحقق این مشارکت مستلزم دسترسی آزاد به اطلاعات زیست محیطی مشارکت عموم مردم در فرایند تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، دادرسی و عدالت زیست محیطی است.

پیشنهادات

از جمله اقدامات مهمی که می‌توان با اتخاذ و اجرای آنها؛ راه را برای حضور و مشارکت مردم در امر پیشگیری از جرایم زیست محیطی هموار نمود می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- تدوین قوانین و مقررات لازم در جهت به وجود آمدن سازمان‌های مردم نهاد.
- رفع مشکلات اداری و حقوقی در زمینه‌های مالیات، ثبت قانونی تشکل‌های مردمی، تجدید پروانه، بیمه کارکنان، بیمه قراردادهای ارائه تسهیلات به این تشکل‌ها و حمایت قانونی از آنها.
- اعطای پاداش و تقدیر و تشکر از تشکل‌هایی که اقدامات مثبت و شایسته‌ای را در زمینه پیشگیری از جرایم زیست محیطی انجام داده‌اند (جهت تشویق سایر افراد به مشارکت در این زمینه).
- تبلیغ از طریق وسایل ارتباط جمعی مانند رادیو و تلویزیون جهت تشویق مردم به حضور و تشکیل سازمان‌های دولتی.
- تدوین برنامه‌های درسی در مقاطع مختلف جهت آگاهی‌رساندن به دانش‌آموزان و دانشجویان در جهت آگاهی از نقش و جایگاه جامعه در حفاظت از محیط زیست.
- شناخت دقیق استعدادها و قابلیت‌های موجود و کمک به سازماندهی تشکل‌های مردمی حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۱۳).

اما در خصوص نقش و جایگاه دولت و جامعه مدنی در زمینه پیشگیری از جرایم زیست محیطی اجمالاً و بدون تفکیک این وظایف می‌توان موارد ذیل را نمونه‌هایی از وظایف هر دو نهاد دانست تا با توسل به آنها نقشی فعال و مثبت را در جهت کاهش و پیشگیری از جرایم زیست محیطی ایفا نمایند:

۱. تشکیل NGOهای مختلف و متناسب با حوزه‌های مختلف جرایم زیست محیطی بدین توضیح که لازم می‌نماید در حوزه‌های مختلف جرایم زیست محیطی مانند تخریب و آسیب رساندن به جنگل‌ها و مراتع، آلودگی دریاها و آلودگی هوا سازمان‌های تخصصی جهت پیشگیری از وقوع آن‌ها تشکیل شود.
 ۲. آگاهی کافی و لازم متولیان امر پیشگیری از جرایم زیست محیطی از قوانین و حقوق محیط زیست.
 ۳. آموزش مردم در جهت حفظ و حمایت از محیط زیست که شامل مواردی از قبیل برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌ها در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛ از طریق رسانه‌های جمعی مانند رادیو و تلویزیون؛ نصب بنرها و پلاکاردها در سطح شهر؛ پخش بروشورهای مربوطه در اماکن مختلف از جمله مدارس و دانشگاه، پارک‌ها، وسایل نقلیه عمومی و ادارات مختلف دولتی.
 ۴. برگزاری جشنواره‌های دانشجویی مربوط به محیط زیست.
 ۵. ایجاد انگیزه در بین مردم و مسئولین جهت شرکت در روز درختکاری در واقع تقویت عوامل مشوق در بین مردم گام مهمی در این زمینه محسوب می‌شود (هاوری، ۱۹۹۵).
 ۶. ایجاد مراکز نگهداری و استفاده از دوربین‌های مداربسته برای حفاظت از فضاهای سبز مانند جنگل‌ها و پارک‌های جنگلی.
 ۷. از رده خارج کردن خودروهای فرسوده.
 ۸. جایگزینی ماده‌ای به جای زغال جهت جلوگیری از استفاده بی رویه مردم از چوب درختان.
 ۹. ترویج فرهنگ دوچرخه‌سواری، پیاده‌روی و ایجاد شوارع مخصوص این امر.
 ۱۰. جلوگیری از ساخت و ساز اماکن تفریحی و تجاری در جنگل‌ها و کنار رودخانه‌ها و دریاها.
 ۱۱. تغییر مسیر خطوط هوایی از فضای فوقانی شهرها بخصوص شهرهایی که دارای نرخ آلودگی بالایی هستند.
 ۱۲. جلوگیری از آتش‌زدن کاه‌های باقیمانده مزرعه گندم که به قصد شروع کشت مجدد صورت می‌گیرد. این عمل علاوه بر آلودگی هوا موجب فرسایش خاک نیز می‌شود که نتیجه آن از بین رفتن ریزمغذی‌های خاک است.
 ۱۳. رعایت تخصص‌ها و استانداردهای لازم در ساخت و طراحی وسایل نقلیه موتوری، تجهیزات و ماشین‌آلات صنایع و کارخانجات (کونانی، ۱۳۹۲).
 ۱۴. افزایش سخت‌گیری در نظام قانونی و کاهش عناصر تساهلی و سازش‌محور آن.
 ۱۵. ایجاد یک نهاد یا سازمان تخصصی و عمل‌گرا و تعطیلی و کنار نهادن تأسیسات صنایع و به‌طور کلی تجهیزات ماشینی معیوب، فرسوده و غیراستاندارد.
- دفن صحیح زباله‌ها و ضایعات؛ تشویق به استفاده از مواد اولیه بازیافتنی که در بند ۳ ماده ۴ قانون مدیریت پسماند مورد توجه قرار گرفته است؛ محدودیت استفاده از مواد شیمیایی مضر به حال طبیعت؛ الزام به برچسب‌زدن و علائم مخصوص هشدار در خصوص مواد قابل اشتعال سمی و با قابلیت انفجار نیز از دیگر راهکارها می‌باشند (قاسم‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۱۴-۱۱۵).

منابع و مراجع

- بکاریا، سزار. (۱۳۷۷). رساله جرایم و مجازات ها، تهران: میزان.
- بیات، ناصر، رستگار، ابراهیم و عزیزی، فاطمه. (۱۳۹۰). حفاظت محیط زیست و مدیریت منابع خاک روستایی در ایران، برنامه‌ریزی منطقه ای، سال اول، شماره دوم، صص ۶۳-۷۸.
- پالمر، جو ای. (۱۳۸۲). آموزش محیط زیست در قرن بیست و یکم، ترجمه علی محمد خورشید دوست، تهران: سمت.
- پایگاه خبری دیده بان محیط زیست و حیات وحش ایران، ۱۳۹۲/۴/۳۱، شنا در دریای خزر به دلیل ورود فاضلاب به دریا خطرناک است. <http://www.iew.ir/1392/04/31/12099>
- پایگاه خبری دیده بان محیط زیست و حیات وحش ایران ۱۳۹۳/۲/۳۱، تنها ۷ درصد از آب دریاچه ارومیه باقی مانده است. <http://www.iew.ir/1393/02/01/23941>
- خالدی، شهریار. (۱۳۷۹). مبانی محیط زیست (عمومی و ایران) تهران: انتشارات شهرآب.
- دانش ناری، حمید رضا. (۱۳۹۲). رویکردی انتقادی به جرائم زیست محیطی فرامرزی، مطالعات بین‌المللی پلیس، دوره چهارم، شماره ۱۵، تهران، صص ۸۳-۱۰۷.
- رمضانی قوام آبادی، محمدحسین. (۱۳۸۷). تأملی بر نقش و جایگاه سازمان‌های غیردولتی در دعاوی کیفری زیست محیطی، نامه‌ی حقوقی مفید، جلد چهارم، شماره ۱.
- رمضانی قوام آبادی، محمدحسین. (۱۳۸۸). مشارکت و نقش زنان در حقوق بین‌الملل محیط زیست، مطالعات اجتماعی- روانشناختی زنان، سال ۷، شماره ۳، صص ۵۳-۷۰.
- عباچی، مریم. (۱۳۹۲). جرم شناسی سبز، دایره المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله های تازه علوم جنایی)، کتاب دوم، چاپ اول، تهران: میزان.
- شیلتون، دینا و کیس، الکساندر. (۱۳۸۹). کتابچه قضایی حقوق محیط زیست، ترجمه محسن عبدالهی، انتشارات خرسندی.
- قاسم زاده، سیدروح الله. (۱۳۸۶). بررسی ابعاد حقوق محیط زیست با تأکید بر جنبه های پیشگیری از آلودگی محیط زیست، فلسفه و کلام، شماره ۱۵، صص ۱۰۷-۱۳۴.
- قاسمی، ناصر. (۱۳۸۴). حقوق کیفری محیط زیست، ویرایش دوم، چاپ دوم (چاپ اول ناشر)، تهران: انتشارات جمال الحق.
- حسینی، سیدمحسن. (۱۳۸۱). امکان سنجی ایجاد سازمان های غیردولتی حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی، محیط اجتماعی، شماره ۳۱.
- قوام، میرعظیم. (۱۳۷۵). حمایت کیفری از محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست.

Brown. S. (1989). *Interited Geopolitics and Emergent Global Realitics in E.K Hamilton, Americans Global Interests: New York.*

Potter, G. R. (2010). *What is Green Criminology?* London South Bank University, UK.

Shelton, D. (1994). *The participation of nongovernmental organizations in international judicial proceedings, American Journal of International Law, Vol. 88.*

Shelton, D & Kiss, A. (2005). *Judicial Handbook on Environmental Law, United Nations Environment Program, UK.*